

یادداشت

درباره سقوط و دستگیری رئیس یک دولت با حمله نظامی دولت دیگر سئیده‌مختارزاده

درباره هم‌زمانی توییت ترامپ درباره «نجات» معترضان ایرانی در صورت ادامه سرکوب خشونت‌بار و شلیک به معترضان از سوی حکومت ایران در روز جمعه و حمله نظامی و دستگیری رئیس‌جمهور ونزوئلا، پرسش‌ها و نظرات زیادی مطرح شد. اما جدای از مواضع سیاسی در این‌باره و تحلیل وقایع کشور ونزوئلا، از نظر حقوقی کمتر کسی به ادعای مطرح‌شده درباره این موضوع، یعنی «مداخله بشردوستانه» در حقوق بین‌الملل پرداخت.

مداخله بشردوستانه بر مبنای یک سنت مسیحی-غربی قدیمی تحت عنوان جنگ مقبول (توجیه‌پذیر)، بعد از جنگ جهانی دوم در نظام حقوق بین‌الملل وارد شد و چند بار از طرف قدرت‌های غربی برای اتمام یک وضعیت بحرانی حقوق‌بشری اعمال شده است. این اقدام نظامی که می‌تواند از طرف یک یا چند دولت انجام شود، به هر حال یک اقدام یک‌جانبه است و در شرایط توجیه‌پذیر در سایه دکترین مسئولیت حمایت دولت‌ها درباره نقض گسترده حقوق بشر در یک کشور دیگر شناخته می‌شود که البته نباید اعمال این نظریه خارج از چارچوب سازمان ملل متحد، مخالفانی جدی نیز دارد.

این مداخله نظامی دارای چند ویژگی مهم مورد توافق اکثر حقوق‌دانان بین‌المللی است تا از یک حمله نظامی با تجاوز نظامی متمایز شده و از نظر حقوق بین‌الملل اقدامی مشروع در نظر گرفته شود:

اول، استفاده از تجهیزات و نیروی نظامی یک یا چند دولت برای خاتمه یک وضعیت بحرانی استفاده شود؛ بنابراین این مداخله بشردوستانه مشخصاً متفاوت از انواع کمک‌های بشردوستانه در وضعیت‌ها و بحران‌های مشابه (مانند توزیع مواد غذایی و ارسال کمک با هلیکوپتر نظامی) است.

دوم، حدود این مداخله باید محدود، توجیه‌پذیر و مشروط به پایان یک بحران حقوق‌بشری مثل نسل‌کشی، کشتار گسترده و سرکوب مردم، توقف یا پیشگیری از پاک‌سازی قومی و جنایت علیه بشریت و… باشد. به عبارت دیگر، پس از حصول هدف، فعالیت نظامی با جنگ نباید ادامه یابد و اگر دلایل دیگری مثل دسترسی به منابع نفتی یا الحاق بخشی از یک سرزمین مورد هدف ذکر شود یا حمله نظامی با توجیه دیگری مثل دفاع مشروع آغاز شود، از این موضوع مداخله بشردوستانه خارج است. به‌علاوه، هدفی مثل تغییر رژیم سیاسی بدون زمینه نقض حقوق بشر به صورت گسترده و شدید از طرف یک حکومت نمی‌تواند توجیهی برای این مداخله باشد.

سوم و حساس‌ترین ویژگی، بعد از جنگ جهانی دوم تا سال‌ها، اختلاف‌نظری درباره مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اقدامات نظامی تحت عنوان مداخله بشردوستانه وجود نداشت. اما با گسترش، تعدد و پیچیدگی وضعیت‌های نقض گسترده حقوق بشر در دهه ۹۰ میلادی و سپس از آن، دولت‌هایی مثل بریتانیا و ایالات متحده آمریکا با استناد به موارد بسیاری، به دلیل پیچیدگی وضعیت و صدور موافقت شورای امنیت سازمان ملل متحد یا ناکارآمد بودن نیروهای حافظ صلح ملل متحد در وضعیت‌های مشابه، اقدام به مداخله بشردوستانه را بی‌نیاز از مجوز و تأیید شورای امنیت و به صورت یک اقدام یک‌جانبه تفسیر کردند که با عملیات تأمین و حفظ صلح تحت حمایت سازمان ملل متحد ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد متفاوت است.

اما سؤال مهم که در هر موقعیتی با تفسیری متفاوت پاسخ داده می‌شود، این است که آستانه نقض حقوق بشر برای توجیه این اقدام و مداخله نظامی بطور تفسیر می‌شود؟ پاسخی قطعی به این پرسش پیدا نخواهد شد؛ زیرا با وجود موارد متعدد سرکوب گسترده شهروندان یا خشونت‌های سیستماتیک شدید، موارد مداخله بشردوستانه بسیار معدود بوده است. به صورت واقع‌بینانه باید گفت علاوه بر زمینه نقض حقوق بشر، این منافع و اراده سیاسی دولت‌هاست که منجر به مداخله نظامی در یک وضعیت بحران بشردوستانه می‌شود و درباره مشروعیت مداخلات بشردوستانه اجماع بین‌المللی وجود ندارد. همچنان که بحث‌های حقوقی درباره مشروعیت یا الزم‌بخشی مداخلات درباره نمونه‌های سابق مثل کردستان عراق (۱۹۹۱)، یوگسلاوی (۱۹۹۹) و لیبی (۲۰۱۱) همچنان در میان حقوق‌دانان و سیاست‌مداران ادامه دارد. شایان توجه است که برخلاف آنچه بسیار تکرار شده، حمله نظامی آمریکا به افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) براساس ویژگی‌های یادشده از مصادیق مداخله بشردوستانه نیست. از موضوعات بحث‌برانگیز دیگر، درباره چگونگی خاتمه بحران و برقراری و تثبیت صلح و ثبات در یک وضعیت مداخله‌شده است. به عبارت دیگر، اقدام نظامی برای پایان نقض حقوق بشر در یک کشور بخش اول این اقدام و تثبیت‌شدن یا تثبیت‌نشدن وضعیت بعد از مداخله نظامی، بخش دیگری بوده است که وضعیت کشوری مثل لیبی نشان‌دهنده اهمیت نقش گروه‌های داخلی در برقراری و حفظ صلح و ثبات است.

حالا اگر به مواضع دولت ایالات متحده آمریکا در روز جمعه برگردیم، با وجود وضعیت بحرانی حقوق بشر در ونزوئلا که سال‌هاست منجر به فقر و مهاجرت گسترده مردم این کشور شده است، همچنین سرکوب مردم معترض به تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته میلادی در این کشور، آمریکا با ادعای مداخله بشردوستانه عملیات روز سوم ژانویه ۲۰۲۶ را انجام نداد و ابعاد این اقدام در چارچوب مداخله بشردوستانه نبود؛ بنابراین چه از سقوط یک دیکتاتور در آمریکای لاتین سرور باشیم و چه نه، باید در نظر داشته باشیم که این اقدام یک‌جانبه مشمول اقدامات متخلفانه بین‌المللی است.

در این شرایط به نظر می‌رسد آنچه باید مدغفه ما باشد، نه پیامدهای مداخله آمریکا در آمریکای لاتین، بلکه احتمال مداخله ترامپ در ایران، به‌ویژه بعد از جنگ ۱۲روزه است.

آیا متولیان امر در این موقعیت حساس تاریخی، برخلاف منافع فردی و حزبی خود، شجاعانه از حقوق مردم دفاع خواهند کرد و به دنبال راه‌حل‌های عاقلانه برای خروج از این وضعیت خواهند بود؟ آیا آمیدی می‌توان داشت که ایران ما به جای تخاصم، تنش و عقب‌ماندگی، به سمت صلح و ثبات و منافع ملی برود؟

مهسا مژده‌ی: یمن تا امروز هیچ‌وقت آن‌قدر به سرنوشتی که پیش از دهه ۹۰ به آن دچار بود، نزدیک نبوده است. فقیرترین کشور عربی، حالا تبدیل به زمینی شده که هر بخش از آن در دست یک گروه قرار دارد و کشورهایی همچون امارات و عربستان بر سر آن جدل می‌کنند. هفتم ژانویه ۲۰۲۶، جغرافیای بحران‌زده یمن شاهد لرزه‌ای سیاسی-نظامی بود که نه‌تنها توازن قوای داخلی را تحت تأثیر قرار داد، بلکه هم‌پیمانی‌های استراتژیک ۱۰ساله را بار دیگر به چالش کشید. برکناری ناگهانی عیدروس الزبیدی، رئیس شورای انتقالی جنوب (STC)، به اتهام خیانت بزرگ و گزارش‌های ضدونقیض از فرار او به مکانی نامعلوم، پرده از شکافی عمیق میان ریاض و ابوظبی برداشت که حالا آتش آن به استان‌های ضالع، حضرموت و المهره سرایت کرده است.

سقوط مرد مقتدر جنوب: از کاخ تا فرار
ماجرای از غروب روز سه‌شنبه آغاز شد؛ زمانی که قرار بود عیدروس الزبیدی برای شرکت در گفت‌وگوهای سرنوشت‌ساز با مقامات سعودی و رشاد العلیمی، رئیس شورای رهبری ریاستی، راهی ریاض شود، اما هواپیمای شرکت بمنیه پس از ساعت‌ها تأخیر، بدون مسافر ویژه خود پرواز کرد. ساعتی بعد، ائتلاف تحت رهبری عربستان در بیانیه‌ای غیرمنتظره اعلام کرد الزبیدی به مکانی نامعلوم گریخته است. شورای رهبری ریاستی بلافاصله با صدور حکمی، الزبیدی را از تمامی سمت‌های حکومتی برکنار و پرونده او را به اتهام خیانت بزرگ، تشکیل باندهای مسلح، تعرض به غیرنظامیان و ایجاد فتنه‌های نظامی به دادستان کل ارجاع داد.

در حالی که خبر برکناری الزبیدی در صدر اخبار بود، صدای انفجار در استان ضالع خبرها را به خود اختصاص داد. کمی بعد ائتلاف سعودی اعلام کرد در یک عملیات پیش‌دستانه محدود، تجمعات نظامی وابسته به شورای انتقالی را هدف قرار داده است. این یعنی عربستان به مواضع نیروهای نزدیک به امارات، یار قدیمی خود در جنگ با یمنی‌ها، حمله کرده است. هم‌زمان با این اقدام، سرتیپ ترکی المالکی، سخنگوی ائتلاف، مدعی شد الزبیدی پیش از ناپدیدشدن، دستور حرکت یک ستون نظامی بزرگ شامل خودروهای زرهی و تسلیحات سنگین از عدن به سمت ضالع را صادر کرده بود تا درگیری‌ها را شعله‌ور کند.

این حملات که در ساعت چهار صبح روز چهارشنبه انجام شد، به گفته منابع بیمارستانی دست‌کم چهار کشته و شش زخمی در میان غیرنظامیان بر جای گذاشت. ائتلاف مدعی است این عملیات با هماهنگی دولت مشروع و نیروهای درع‌الوطن یا همان سپر میهن انجام شده تا از گسترش نفوذ نیروهای جدایی‌طلب جلوگیری شود.

در حالی که خبر برکناری الزبیدی در صدر اخبار بود، صدای انفجار در استان ضالع خبرها را به خود اختصاص داد. کمی بعد ائتلاف سعودی اعلام کرد در یک عملیات پیش‌دستانه محدود، تجمعات نظامی وابسته به شورای انتقالی را هدف قرار داده است. این یعنی عربستان به مواضع نیروهای نزدیک به امارات، یار قدیمی خود در جنگ با یمنی‌ها، حمله کرده است. هم‌زمان با این اقدام، سرتیپ ترکی المالکی، سخنگوی ائتلاف، مدعی شد الزبیدی پیش از ناپدیدشدن، دستور حرکت یک ستون نظامی بزرگ شامل خودروهای زرهی و تسلیحات سنگین از عدن به سمت ضالع را صادر کرده بود تا درگیری‌ها را شعله‌ور کند.

این حملات که در ساعت چهار صبح روز چهارشنبه انجام شد، به گفته منابع بیمارستانی دست‌کم چهار کشته و شش زخمی در میان غیرنظامیان بر جای گذاشت. ائتلاف مدعی است این عملیات با هماهنگی دولت مشروع و نیروهای درع‌الوطن یا همان سپر میهن انجام شده تا از گسترش نفوذ نیروهای جدایی‌طلب جلوگیری شود.

ریاض محافظه‌کاری را کنار گذاشته است

زلزله سیاسی در یمن



عدن: کاخ‌هایی که دست‌به‌دست می‌شوند
در قلب عدن، پایتخت موقت یمن، تحولات میدانی با سرعتی باورنکردنی در حال پیشروی است. گزارش‌های رسیده حاکی از آن است که نیروهای شورای انتقالی جنوب از کاخ ریاست‌جمهوری معاشیق عقب‌نشینی کرده و کنترل آن را به نیروهای الویه العمالقعه سپرده‌اند که گروهی تندرو محسوب می‌شود. قرار است در گام بعدی، این کاخ به نیروهای درع‌الوطن که مستقیم تحت حمایت مالی و نظامی ریاض هستند، تحویل داده خواهد شد.

آن‌طور که المیادین نوشته است، هم‌زمان در شرق یمن، شورای ملی حضرموت اعلام کرد شهر سیئون و مناطق استراتژیک وادی حضرموت از کنترل نیروهای جدایی‌طلب خارج شده و به دست دولت مرکزی برگشته است. اتفاقات اخیر در شرایطی رخ می‌دهد که در هفته‌های منتهی به سال جدید میلادی، شورای انتقالی جنوب با حمایت امارات بخش‌های وسیعی از حضرموت و المهره را تصرف کرده بود. اما حالا در همین مناطق، ریاض دست بالا را در معادلات دارد.

جنگ نیابتی در دل ائتلاف؟
آچه در لایه‌های زیرین این درگیری جریان دارد، گسست کامل میان دو متحد سابق یعنی عربستان و امارات است. رسانه‌های سعودی مانند روزنامه عکاظ با ستایش از مداخله ریاض، به‌طور ضمنی ابوظبی را به دامن‌زدن به جنگ داخلی متهم می‌کنند. عربستان معتقد است امارات با تحریک نیروهای شورای انتقالی برای عملیات در مرزهای جنوبی پادشاهی (حضرموت و المهره)، خط قرمزهای امنیتی ریاض را رد کرده است. از سوی دیگر، برخی از تحلیلگران با اتکا بر همکاری در حال گسترش میان ابوظبی و تل‌آویو، به نقش پررنگ‌تر اسرائیل در این بازی اشاره می‌کنند. گزارش‌ها می‌گویند امارات و اسرائیل در حال همکاری برای ایجاد زیرساخت‌های جاسوسی و پایگاه‌های راداری در مناطق راهبردی یمن، ازجمله جزیره سقطری و تنگه باب‌المندب هستند. المانیئو بره‌تازگی در گزارشی نوشته که امارات با همکاری اسرائیل پایگاه‌های نظامی، سامانه‌های راداری و زیرساخت‌های نظارتی در جزایر راهبردی سقطری، پریم، عبدالکوری و زقار ایجاد کرده است. این رسانه همچنین اشاره کرده که به‌رسمیت شناختن اخیر سومالی‌لند از سوی اسرائیل،

یامد طبیعی اقدام متحد اماراتی آن است که منطقه جادشده سومالی را از طریق ساخت جاده، ایجاد بندر در بربره، ارتقای فرودگاه هرکیسا و تأسیس پایگاه نظامی تقویت کرده است؛ آن هم در حالی که ظاهراً همچنان از موضع رسمی حمایت از موکادیشو دفاع می‌کند. عیدروس الزبیدی که حالا ناپدید شده، در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل و در مصاحبه با نشنال‌نیوز اعلام کرده بود که شورای انتقالی آماده پیوستن به پیمان ابراهیم و عادی‌سازی روابط با اسرائیل است، به شرطی که از استقلال جنوب یمن حمایت شود. این رویکرد، الزبیدی را به مهره‌ای مطلوب برای محور امارات-اسرائیل و عنصری چالش‌برانگیز برای وحدت یمن و خواسته‌های عربستان تبدیل کرده بود. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد ریاض محافظه‌کاری را در رقابت با امارات کنار زده است و در زمینه یمن، به رویارویی با متحد قدیمی خود دست می‌زند. این کشور که روزی با حمایت حزب تندرو اصلاح و نزدیک به امارات، ابوظبی را وارد معادله یمن کرد، حالا به‌شدت از عملکرد خود پشیمان است.

تاریخی که تکرار می‌شود: از ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۶
برای درک عمق فاجعه‌ای که یمن را تهدید می‌کند، بهتر است دهه‌ها به عقب بازگشت. یمن که در سال ۱۹۹۰ با اتحاد شمال و جنوب امیدوار بود به قدرتی منطقه‌ای تبدیل شود و یکپارچگی را به‌عنوان سرنوشت ابدی خود بپذیرد، حالا بیش از هر زمان دیگری در آستانه تکه‌تکه‌شدن قرار دارد. در شمال این کشور و مرکز آن، انصارالله دست بالا را دارد و در جنوب نیروهای تحت حمایت سعودی و امارات درگیر هستند و در شرق و بنادر هم ریاض موضع برتر دارد.

برای امارات دست‌کشیدن از جنوب یمن دشوار است. این منطقه جایی است که ابوظبی مایل است تا از آن یک حوزه نفوذ بسازد و نیروهای اغلب تندرو حامی خود را در آن مستقر کند. از آنجایی که در جنوب، باب‌المندب و بنادر یمنی قرار دارند، چنین رویایی سعودی‌ها را سخت خشمگین کرده و احتمال تکه‌تکه‌شدن این کشور را افزایش داده است. عربستان سعودی همچنان تلاش می‌کند با برگزاری کنفرانسی جامع در ریاض، جریان‌های جنوبی را پای میز مذاکره بکشاند تا مانع از فروپاشی کامل ساختار قدرت در جنوب شود. اما غربت الزبیدی و اتهام خنات علیه او، ضربه‌ای غیرقابل جبران به تلاش‌ها زده است. در حالی که شورای انتقالی فرار رهبر خود را تکذیب کرده و مدعی است او در عدن حضور دارد، ائتلاف بر پیگرد قانونی او اصرار می‌ورزد و همین امر به تنش‌ها اضافه کرده است. یمن امروز مانند بیماری است که روی تخت جراحی قرار گرفته، اما جراحان به‌جای درمان، در حال تقویت اعضای بدن او هستند. خروج نظامی امارات و حملات پیش‌دستانه عربستان، اقدامات غیرمنتظره بازیگران داخلی، همکاری اسرائیل و امارات و طمع تل‌آویو به بنادر جنوبی، یمن را بر لبه فاجعه قرار داده است.

در حالی که یمن در آستانه فروپاشی است، این کشور با چالش‌های داخلی و بین‌المللی روبرو است. تنش‌ها بین امارات و عربستان، نقش اسرائیل و امارات در منطقه، و عدم توافق بین‌المللی بر سر آینده یمن، همه فاکتورهایی هستند که می‌تواند به تدهول بیشتر این کشور منجر شود.

در حالی که یمن در آستانه فروپاشی است، این کشور با چالش‌های داخلی و بین‌المللی روبرو است. تنش‌ها بین امارات و عربستان، نقش اسرائیل و امارات در منطقه، و عدم توافق بین‌المللی بر سر آینده یمن، همه فاکتورهایی هستند که می‌تواند به تدهول بیشتر این کشور منجر شود.

شورون که همچنان در ونزوئلا فعال مانده است. به گفته سه منبع مطلع، مدیران ارشد شرکت‌های نفتی آمریکا ممکن است از پنجشنبه به کاخ سفید بروند تا درباره سرمایه‌گذاری در ونزوئلا گفت‌وگو کنند.

کاراکاس پس از بازداشت مادورو
در کنار پرونده نفت، نقطه حساس دیگر، چینش قدرت در کاراکاس است؛ متحدها سوسیالیست مادورو همچنان در ساختار قدرت حضور دارند و دلسی رودریگز در وضعیتی دوگانه حرکت می‌کند: از یک سو بازداشت مادورو را «رایش» می‌خواند، از سوی دیگر تحت تهدیدهای علنی ترامپ وارد مسیر همکاری با واشنگتن می‌شود. ترامپ حالا به‌جای تکیه بر اپوزیسیون، با رودریگز و چند مقام ارشد از اردوگاه مادورو کار می‌کند؛ تصمیمی که برای مخالفان ونزوئلا ناپسندکننده بوده، چون انتظار داشتند نقش اصلی را در گذار قدرت داشته باشند.

پرونده امنیت داخلی ونزوئلا هم هم‌زمان مورد توجه قرار گرفته است. روتیزر می‌گوید دولت ترامپ به دیوسدادو کایبو، وزیر کشور تندرو ونزوئلا، پیام داده اگر به رودریگز برای اجرای مطالبات آمریکا و حفظ نظم کمک نکند، ممکن است در صدر فهرست اهداف قرار بگیرد. کایبو به دلیل کنترل نیروهای امنیتی متهم به نقض گسترده حقوق بشر، از سر ذرین است. آمریکا همچنین وزیر دفاع، ولادیمیر پادرینو را هم از نزدیک رصد می‌کند؛ کسی که مانند کایبو تحت کیفرخواست مواد مخدر در آمریکا قرار دارد و جایزه چند میلیون دلاری برای سرش اعلام شده است. در همین روایت، خود رودریگز هم تحت تحریم‌های آمریکاست و دارایی‌های خارجی او به‌عنوان اهرم فشار بالقوه دیده می‌شود. در سطح مطالبات خارجی، واشنگتن از دولت موقت ونزوئلا خواست تا مشاوران روس، چین، روسیه، کوبا و ایران را از این کشور اخراج کند و نیویورک تایمز این خواسته‌ها را به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش کرده است. همچنین گفته شده مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، این مطالبات را در جلسه محرمانه دوشنبه با رهبران نکره فهرست کرده است. کاراکاس هم به گفته روتیزر، پس از بازداشت مادورو دستور بازداشت کسانی صادر شده که با طرف مهاجم همکاری کرده‌اند؛ ۱۴ فعال رسانه‌ای هنگام پوشش رویدادهای این کشور برای مدتی بازداشت شدند و شب دوشنبه تیراندازی‌هایی انجام شد که یک مقام ونزوئلایی آن را اقدام پلیس برای جلوگیری از پرواز پهپادهای غیرمجاز توصیف کرده است. سایمون آره‌چیدر، معاون وزیر ارتباطات ونزوئلا گفته «هیچ درگیری رخ نداده» و «تمام کشور کاملاً آرام» است.

توافق سوریه و اسرائیل با نظارت آمریکا

دولت تازه سوریه و اسرائیل با نظارت آمریکا پذیرفتند یک «سلول ارتباطی» مشترک بسازند تا تبادل اطلاعات و کاهش تنش نظامی را هماهنگ کند؛ سازوکاری که وزارت خارجه آمریکا می‌گوید برای رسیدن به امنیت و ثبات پایدار طراحی شده است. این توافق که در پاریس حاصل شده است، قرار نیست دشمنی دو طرف را تمام کند؛ قرار است جلوی اشتباه محاسباتی را بگیرد. این خط تماس تحت نظارت آمریکا، چهار مسیر را با هم جلو می‌برد: تبادل اطلاعات، کاهش تنش نظامی، تعامل دیپلماتیک و فرصت‌های تجاری، اما همه چیز در یک چارچوب محدود و کنترل‌شده می‌ماند.

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه خود گفت سوریه و اسرائیل متعهد شده‌اند به «امنیت و ثبات پایدار» در روابط دوجانبه برستند. نقطه اصلی بیانیه، تأکید روی «خروجی» است، نه «امتیازدهی». قرار نیست طرف‌ها همین حالا معامله سیاسی بزرگی را اعلام کنند یا از خطوط قرمز خود عقب‌نشینی علنی داشته باشند؛ هدف، ساختن یک ابزار اجرایی برای مدیریت تنش است.

این توافق به‌عنوان یک «سلول ارتباطی» اختصاصی توضیح داده می‌شود. این سلول قرار است تماس‌ها را فوری و پیوسته کند و یک مسیر واحد برای هماهنگی بسازد.

فهرست مأموریت‌ها هم صریح آمده است: تبادل اطلاعات، کاهش تنش نظامی، تعامل دیپلماتیک و فرصت‌های تجاری. دامنه روی کاغذ پهن است، اما شکل اجرا عمداً باریک است؛ یک کانال، یک میز و یک ناظر. بیانیه اضافه می‌کند همین مکانیسم باید بستری باشد برای رسیدگی سریع به اختلاف‌ها و جلوگیری از سوءتفاهم. این ادبیات، کلاسیک‌ترین نسخه مدیریت بحران است؛ «کم‌کردن احتمال انفجار» به‌جای «حل ریشه اختلاف».

باین حال، در متن تصریح شده اسرائیل همچنان حملاتش به

سوریه را ادامه داده و بیانیه هم نگفته تل‌آویو از اقدام‌های بعدی خودداری می‌کند یا به توافقاتی قبلی برمی‌گردد. نبود چنین تعهدی، سقف واقعی توافق پاریس را نشان می‌دهد: نه عادی‌سازی رسمی، نه معامله سیاسی بزرگ و نه تضمین توقف حملات؛ صرفاً یک خط تماس در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می‌شود و هم «دروازه‌بان» آن. این یعنی می‌تواند سرعت تماس‌ها، سطح تماس‌ها و حتی موضوع تماس‌ها را تا حدی تنظیم کند و نگذارد گفت‌وگو از کنترل خارج شود. در کوتاه‌مدت، چنین کنترلی برای مهار بحران مؤثر است؛ چون از ارتباط‌های پراکنده، شایعه‌محور و تسهیلگر نیست؛ وقتی همه تماس‌ها در یک کانال تحت نظارت واشنگتن جمع می‌شود، آمریکا هم «ضامن روند» می